

یکی از ویژگی‌های بارز انسان تفکر خلاق است. وجود خلاقیت ویژه در برخی انسان‌ها و بکارگیری آن سبب خلق آثار مختلف علمی، ادبی، فلسفی و هنری می‌شود. از سویی فعالیت هنری در رشد خلاقیت نقشی ویژه دارد.



سرعت و شتاب زندگی و پدید آمدن تحولات شگفت‌انگیز از ویژگیهای عصر حاضر است و هر لحظه اتفاقی جدید در حال وقوع است و این اتفاقات همچون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل بوده و از دل زمان خارج می‌شوند. تولید علم و دانش چنان سرعتی به خود گرفته است که بارانی از اطلاعات بر روی سر انسان‌ها فرو می‌ریزد.

شبکه اینترنت که ریشه‌های گسترده فناوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد با سرعتی شگفت‌انگیز به پیش می‌رود و هر نقطه‌ای از کره زمین را تحت سیطره خود در می‌آورد و هر لحظه مغز یک انسان را به هزاران انسان دیگر مرتبط می‌کند و بدین وسیله او را در میان سیلاب اطلاعات رها می‌سازد. در این دوران، انسان باید علاوه بر زندگی در محیط در حال تغییر، بتواند خلاقانه بیاندیشد و با ایجاد افکار نو به حل مشکلات بپردازد و با هنرمندی سکان کشتی زندگی خویش را در این دریای متلاطم به پیش ببرد. حال تصور کنید فردی ساعت‌ها در حال نقاشی کردن است و به دور از هیاهوی دنیای امروز، در تخیل خود سیر می‌کند و گویی ذهن او در دریای آرام درون، قلبی را رها ساخته و ساعت‌ها به دنبال یافتن چیزی تازه در دل این دریاست. در این میان ممکن است پرنده ذهن او به آسمان پرواز کند و در جستجوی خالق خویش به سیر و سیاحت بپردازد و یا در دل اعماق دریای وجود به جستجوی درون خود بپردازد و هر لحظه تجربه‌ای کسب کند و در این میان چه بسا اولین جرعه‌های خلاقیت پدیدار شده و زمینه‌ساز افکار نو گردد.

هنر قادر است شرایطی را فراهم کند که آدمی بتواند به دور از هیاهو در میان زیباییها سیر کند و بدین وسیله به آرامش برسد و در کنار آن عمیق‌تر بیاندیشد.

برای پی بردن به اهمیت هنر در بروز خلاقیت بهتر است تعریفی از خلاقیت داشته و سپس به بیان ویژگیهای فرد خلاق بپردازیم.

"استیفن رابینز" خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه‌ها و نظرات در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آنان

بیان می‌کند.

خانواده من اینطور عمل می کند». بدیهی است که احترام به انتظارات جامعه، سنت ها و فرهنگ از اهمیت بسیاری برخوردار است به شرط آنکه قید و بندهای دست و پا گیر برای افراد بوجود نیآورد.

چگونه خلاقیت کودکان را افزایش دهیم:

- ۱- محیطی مناسب برای انجام کارهای خلاق آنها فراهم نمایید .
- ۲- امکانات و وسایلی در اختیار آنها قرار دهید تا به کمک آنها خلاقیت های خود را ابراز نمایند. (به عنوان مثال وسایل موسیقی، نقاشی و طراحی و ...)
- ۳- کارهای خلاق کودکان را تشویق کنید و آنها را در معرض نمایش قرار داده و از ارزیابی بیش از حد آنان خودداری کنید .
- ۴- به عنوان بزرگسال، خود به انجام کارهای خلاق بپردازد و اجازه دهید کودکان شما شاهد کارهای خلاق تان باشند .
- ۵- به شیوه های آموزشی در خانواده خود توجه داشته باشید .
- ۶- برای کارهای خلاق دیگران ارزش قائل شوید .
- ۷- از تأکید بر تصورات قالبی در خصوص جنسیت کودکان شدیداً خودداری نمایید) . به عنوان مثال دختر ماشین بازی نمی کند، پسر عروسک بازی نمی کند یا پسر گریه نمی کند). ۸- امکان شرکت در فعالیتهای و کلاسهای ویژه را برای آنان فراهم نمایید .
- ۹- اگر مشکلات یا گرفتاریهای در خانواده وجود دارد از آن مشکلات به شیوه مثبتی استفاده کنید و با تشویق به کودک خود اجازه ابراز احساسات و اظهار نظر بدهید .
- ۱۰- توجه داشته باشید که استعداد فقط سهم کوچکی از خلاقیت است و تمرین و نظم بخشیدن به آن از اهمیت بیشتری برخوردار است .
- ۱۱- اجازه بدهید کودک خودش باشد حتی اگر رفتارهای عجیب از او سر بزند و سعی کنید در حضور جمع کودک خود را خلاق معرفی نکنید؛ در غیر این صورت اطرافیان انتظارات بیش از حدی از کودک شما خواهند داشت .
- ۱۲- با کودک خود شوخ طبع و مهربان باشید.

فرایند خلاقیت

در رویکردی عمومی، نگاه به خلاقیت، منظری توسعه مدارانه و جهت گیری اثربخش را به همراه دارد. خلاقیت از دیرباز عنصری تماماً ذاتی و نهادینه شده و تقریباً موروثی قلمداد شده ولی آنچه که امروز به عنوان نگرش خلاقانه، طراحی خلاقانه، استعداد خلاق و بیشتر از همه تفکر خلاق موسوم است، پارادایمی فراتر از عنصری با رویکردی درونی است.

در رویکردی عمومی، نگاه به خلاقیت، منظری توسعه مدارانه و جهت گیری اثربخش را به همراه دارد. خلاقیت از دیرباز عنصری تماماً ذاتی و نهادینه شده و تقریباً موروثی قلمداد شده ولی آنچه که امروز به عنوان نگرش خلاقانه، طراحی خلاقانه، استعداد خلاق و بیشتر از همه تفکر خلاق موسوم است، پارادایمی فراتر از عنصری با رویکردی درونی است. نگاه نوین به خلاقیت، آن را آموزش محور و پرورش مدار می داند و تقویت و فعلیت آن را در چارچوب شئون فکری و حوزه های عملی ممکن می شمارد.

تصورات مؤثر در خلاقیت

تصورات مؤثر در خلاقیت، عبارتند از:

- دارای قوه تخیل (فعال) بالایی هستند.

- میل به استقلال دارند و از اینکه هم‌رنگ جامعه باشند می‌پرهیزند و در مواردی که دستورهایی بر خلاف میل و یا اعتقادات خود دریافت کنند به سرپیچی از آنها تمایل نشان می‌دهند

- در زندگی کمتر جزئی‌نگر هستند.

- پیچیدگی در امور را بر سادگی ترجیح می‌دهند.

- روحیه ای طنزگونه دارند و از شوخ طبعی برخوردارند.

- تمایل به انجام کارهایی دارند که با ریسک توأم است.

- افراد خلاق کارها را به خاطر لذت و رضایت بخشی انجام می‌دهند و کمتر تحت تاثیر عوامل بیرونی نظیر شهرت، پول و یا تایید دیگران کار می‌کنند.

- گرایش به سادگی و ایجاد نظم دارند.

- در انجام تصمیم‌گیرها انعطاف پذیرند.

- مسائل پیچیده را به مسائل ساده ترجیح می‌دهند.

- آنها تمایل دارند که احساسات و هیجانات خود را صریح بیان کنند.

- افراد خلاق از هوشی بالاتر از حد متوسط برخوردارند.

- به موضوعاتی توجه می‌کنند که دیگران به آن توجه نداشته‌اند.

- در مواردی آنها برای یک مسئله می‌توانند چندین راه حل داشته باشند.

اگرچه تمامی عوامل فوق در یک فرد خلاق ممکن است وجود نداشته باشد اما می توان بیان داشت این ویژگیها ممکن است در افراد خلاق بیشتر دیده شود.

حال با توجه به تعاریف بیان شده در می یابیم که هنر بواسطه ویژگیهای زیر می تواند زمینه ساز خلاقیت در انسان باشد:

۱- هنر آدمی را وادار می کند که تجربیات جدیدی کسب کند و آن را به دیگران منتقل کند و این خود سرآغاز تبادل اندیشه و ظهور افکار نو خواهد بود و به گفته ارنست دیمنه از پایه گذاران آموزش و پرورش فرانسه ، هنگامی که انسان افکار و تجربیات جدید خود را به دیگران منتقل می کند و از ذهن خود خارج می کند باعث شود همچون حلقه ای از زنجیر عمل کند که با کشیدن آن به بیرون از ذهن باعث بیرون آمدن افکار جدید تری می شود و این اقدام سبب به فعال نمودن مغز برای اندیشیدن بیشتر می شود.

هنر قادر است شرایطی را فراهم کند که آدمی بتواند به دور از هیاهو در میان زیباییها سیر کند و بدین وسیله به آرامش برسد و در کنار آن عمیق تر بباندد

۲- هنر کمک می کند ذهن آدمی در فضایی آرام بخش و با آزادی سیر کند، کاوش نماید و چیزهای جدید کشف کند و اندیشه هایی بروز دهد که تجربه نشده است . اصولاً هنگامی که ذهن انسان در فضایی ناآرام بسر می برد و دچار تضاد ها ، نگرانی ها و دغدغه های فراوان است بخش زیادی از انرژی مغز برای مقابله با این نابسامانی ها به هدر می رود و در نهایت خسته و درمانده می شود و هنگامی که ذهن خسته است عمق تفکر بسیار نزول می کند و انسان قادر به اندیشیدن عمیق نیست و تنها در هنگام کارکردن ، تمایل دارد که کارهای تکراری که نیازمند تفکر نیست را به انجام رساند و اگر این عارضه در یک جامعه گسترش یابد می توانیم حدس بزنیم تا چه حد مردم تمایل خواهند داشت برای انجام امور تفکر کنند و فعالیت های خود را با عقل و اندیشه پیش ببرند.

۳- هنر زمینه ساز انگیزش است و انسان را وادار به حرکت می کند . انسانی که با انگیزش بوده و هدفمند به پیش می رود ، خلاقیت او را همچون دوست برای رسیدن به هدف یاری خواهد کرد.

۴- هنر با خلق زیبایی ها به مغز انسان آرامش می بخشد و شرایطی را پدید می آورد که سلول های مغزی در فضایی به دور از هیاهو و نگرانی اندیشه نمایند، چراکه محیط پر استرس و نگران کننده ، برای سلول های مغزی مخرب است.

۵- هنر می تواند آدمی را به درون خویش هدایت نماید و اگر انسان در این میان خویش را بشناسد و رسالت و هدف بزرگی را برای خود کشف نماید، باعث ایجاد تحولی در انسان می شود که زمینه ساز انگیزش درونی بوده و این خود پیش زمینه خلاقیت در انسان خواهد بود.

۶- هنر بهره گیری از قوه تخیل فعال را در انسان تقویت کرده و این خود می تواند زمینه ساز افکار نو شود. بسیاری از اختراعات بزرگ برگرفته شده از تخیل ذهن بزرگانی است که در گذشته این اختراعات را در ذهن خود تصور کرده بودند و سپس توسط دیگران به عمل تبدیل شده است. .

۷- هنر زمینه ساز جستجوگری انسان به سوی خالق خویش است که این می تواند سرآغاز رشد اخلاق و شکل گیری خلاقیت مثبت و اثربخش در انسان باشد. بطور مسلم خلاقیت زمانی برای بشر قابل ارزش خواهد بود که ثمره های آن برای انسان نیکبختی و سعادت در پی داشته باشد.



۸- هنر زمینه ساز ثبت تجربیات بشر است، تجربیات ثبت شده بشر مهم ترین چیزها برای وادار کردن انسان ها به تفکر است و رشد تفکر کردن سرآغاز دست یابی به افکار نو و بروز خلاقیت خواهد بود.

۹- مغز از دو نیمکره تشکیل شده است. دو نیمه مغز شبیه یکدیگر بوده و هماهنگ با هم

عمل می کنند. فعالیت هایی نظیر ریاضیات، زبان و ارتباط کلامی، منطق، بررسی و تجزیه و تحلیل و نویسندگی در نیمه سمت چپ مغز انجام می شود و فعالیت های نظیر تصور و تجسم، شناخت رنگ، موسیقی، وزن و آهنگ، خیالات و آرزوها بر عهده نیمه راست مغز است. هرگاه انسان بتواند از دو نیمه مغز استفاده کند کارایی مغز بطور فوق العاده ای افزایش خواهد یافت. نود درصد مردم با سمت چپ مغز خود فکر می کنند بسیاری از دانشمندان با بهره گیری از هنر تلاش کرده اند نیمه راست مغز خود را فعال نگهدارند و به همین علت لازم است که با بهره گیری از هنر قابلیت های مغزی خود را افزایش دهیم

۱۰- هنر دارای تاثیرات درمانی بر روی بدن انسان دارد که با بهره گیری از آن می توان به درمان بعضی عارضه ها پرداخت و یا از بعضی مشکلات پیشگیری نمود و این خود سبب سلامت جسم و مغز می شود. روانکاوان معتقدند هنر از نظر عاطفی موجب کاهش احساس خشم و نفرت و پرخاشگری در کودک می شود و خلق آثار هنری می تواند باعث تقویت اعتماد به نفس در کودک شود.

بکارگیری روش های درمانی نظیر نمایش درمانی ، قصه درمانی ، هنر درمانی ، کاربرد موسیقی در درمان بیماران مضطرب و افسرده در حال افزایش است.

خلاقیت به عنوان یک تولید:

ادیسون (با اختراع لامپ و گراهام بل با اختراع تلفن) هر دو مولد چیزهای جدیدی بودند که جامعه بشریت را منقلب کرد. همینطور پیشرفت های پزشکی ، کارهای هنری، اصول و قوانین علمی نیز از جمله تولیدات خلاق محسوب می شوند.

خلاقیت بعنوان یک فرایند:

طبق این توصیف، خلاقیت فرایندی است که فرد با آن درگیر میشود حتی اگر به تولید چیز خاصی منجر نگردد. همه افراد می توانند عملکرد خلاق داشته باشند. عملکرد خلاق شامل فکر کردن ، صحبت کردن، بازی ، نوشتن، رقصیدن، آواز خواندن، نواختن موسیقی ، آزمایش و دستکاری کردن ایده ها و اشیا باشد. بنابراین هر فعالیت هنری کودک خردسال می تواند خلاق باشد. خلاقیت کودکان در سال های اولیه زندگی بیشتر مبتنی بر فرایند است. یعنی کودک، یک نقاشی را شروع می کند اما آن را کامل نکرده و رها می کند. این عملکرد یعنی قرار گرفتن در فرایند خلاقیت حتی اگر منجر به تولید کی اثر نشود.

خلاقیت بعنوان یک مهارت:

گرچه همه کودکان بالقوه خلاق هستند اما این توانایی بدون تمرین خاموش می شود . خلاقیت برای شکوفایی نیاز به تمرین دارد. بعنوان مثال مهارت در بازی تنیس بدون تمرین، به سرعت از بین می رود. یک بازیکن خوب، دائماً تمرین می کند. بدون تمرین ، توانایی نوشتن ، موسیقی ، آواز ، رقص ، نقاشی و بسیاری دیگر ... ممکن است متوقف شود .

خلاقیت به عنوان یکسری ویژگی های شخصیتی:

برخی از محققان ویژگی هایی را برای افراد خلاق مطرح می کنند. این ویژگی ها عبارتند از: جسارت ، کنجکاوی ، انعطاف پذیری، استقلال، درونگرایی، ناهمناوی، شوخ طبعی گرایش به تجربه کردن و

خلاقیت به عنوان یکسری شرایط محیطی :

منظور از شرایط محیطی، افراد، مکان ها، اشیا، و تجربیات است. کودکان از هیچ قادر به خلق چیزی نیستند. آنها برای ترسیم کردن یا خلق چیزی نیاز به تجربه دارند. بعنوان نمونه، کودکی که فرودگاه یا مرز هوایی را ندیده است به سختی می تواند در بازی ها یا فعالیت دیگرش، فعالیت خلاقانه ای داشته باشد. به همین ترتیب، در بیان خلاقیت، هرچه زمینه تجربیات فرد یا مکان ها، اشیا و سایر افراد بیشتر باشد، عملکرد وی در فعالیت های خلاقانه بیشتر است . محیط خانه یکی از عوامل مهم در پرورش خلاقیت محسوب می گردد. اگر در محیط خانه دیدگاه خوش بینانه ای نسبت به این موضوع وجود داشته باشد. کودکان بیشتر استعداد های خود را بروز می دهند. تحقیقات نشان داده است که اگر :

والدین به کودکانشان احترام بگذارند، نسبت به توانایی فرزندشان اعتماد داشته باشند، به کودکان شان اجازه کشف کردن و تصمیم گیری بدهند، ارزش های خانواده همیشه بر مبنای صداقت، شایستگی، منطقی و موفقیت باشد، به پرورش و رشد خلاق کودکان خود کمک کرده اند.

موانع خلاقیت :

محرك های محیطی و عوامل خانوادگی می توانند خلاقیت را افزایش دهد، شرایط منفی هم می تواند آن را محدود کند. شرایط محیطی که مانع توانایی خلاقیت می شوند عبارتند از :

والدین :

والدین اغلب انتظارات خاصی از کودکان شان دارند، متأسفانه کودکان خلاق ممکن است با این انتظارات هماهنگ نباشند. کودکان خلاق اغلب اقتدار. محدودیت ها ، منطق و انتظارات والدین را زیر سؤال می برند. این کودکان بصورت متفاوتی عمل و رفتار می کنند. والدین ممکن است این رفتارهای خلاق را نوعی بی ادبی قلمداد کنند یا رفتارهای کودک شان را خیلی عجیب و غریب ، نابالغ، غیر عادی یا شیطانی بدانند. بنابراین لازم است والدین اطلاعات کافی و لازم درخصوص ماهیت خلاقیت و فرایند آن داشته باشند.

مدرسه :

معلم ممکن است ارزش کودک خلاق را درک نکند. اغلب کودک خلاق باید در موقعیت مدرسه بر اساس همنوایی کامل عمل کند. کودک یاد میگیرد شب سیاه است و اگر در نقاشی اش از رنگ دیگری غیر از آن استفاده کند مورد تمسخر قرار می گیرد . اخیراً تأکید بسیاری در این خصوص وجود دارد که در مدارس فرصت بسیار کم و نا محدودی برای فعالیت های خلاق کودکان در نظر گرفته می شود. همچنین برخی از کودکان در کلاس های درسی غیر خلاق زندان می شوند و به آنها گفته می شود «بنشین سرجایت». به همین دلیل یکی از ضروریات نظام آموزشی، توجه به استعداد های خلاق کودکان و پرورش معلمان در خصوص فراهم آوردن فضای مناسب برای پرورش آن استعدادهاست .

جنسیت افراد:

در هر جامعه ای نقش های جنسی خاصی وجود دارد، در اغلب مواقع این نقش ها علاوه بر محاسنش محدودیت هایی برای کودکان فراهم می کنند. وقتی ما انتظار داریم کودک پسرمان فعال، مستقل و قوی باشد و برعکس دخترمان منفعلی، وابسته و از خود گذشته و فداکار باشد با این شیوه به کودکان مان آسیب می رسانیم اگر نقش های جنسی به این صورت برای کودک دیکته شود، پسرها از رسیدن به فعالیت های آرام خودداری می کنند و دخترها از دستیابی به فعالیت ها و تجربیات فعال و زنده دوری می کنند. در حالی که هر دو نوع تجربه برای فرایند خلاقیت ضروری است .

جامعه، سنت و فرهنگ :

مفاهیم متفاوتی هستند اما هر یک، رفتارها، ارزش ها و نگرش های خاصی را دیکته می کنند، اینها به شکل انتظارات منتقل می شوند. متأسفانه ممکن است کودکان خلاق با یک دستور کار متفاوت عمل کنند. مشکل زمانی بروز می کند که بزرگسال همه پاسخ ها را دارد و از کودک انتظار دارد که در قالب چارچوب ها رفتار کند .مثلاً اغلب گفته می شود: « این شیوه ای است که

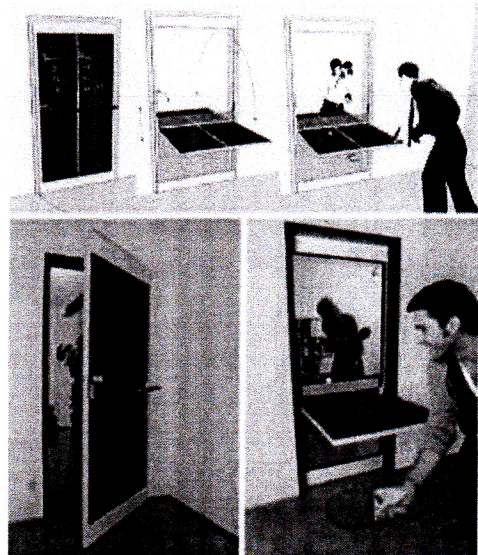
غنی‌ترین منبع سوخت و عاملی است که موجب می‌شود انسان بتواند ایده‌های خلاقانه ارائه بدهد . تجربه را می‌توان از انجام کارهای متنوع و مخاطره‌انگیز، مسافرت مخصوصاً با شرایط سخت و مصیبت‌بار و به مکان‌های دور افتاده، تماس‌های شخصی با دیگران بویژه کودکان، خواندن شرح حال افراد، تماشا کردن تلویزیون، گوش کردن رادیو و ... به‌دست آورد. بازی‌های فکری :

حل معما، جدول، شطرنج، کلمات متقاطع، بیست سوالی‌ها، بازی در هوای آزاد، حل مسائل ریاضی بخصوص مسائل هندسه و احتمال که نوعی ورزش ذهنی هستند در تقویت قدرت تفکر موثرند.
کوشش زیاد :

آنچه موجب خلاقیت می‌شود، لزوماً هوش و نبوغ فوق‌العاده نیست بلکه کوشش مضاعفی است که افراد خلاق انجام می‌دهند تا مغز را به تصور وا دارند. سخت‌کوشی و عادت کردن به کار و تلاش ما را در هنگام تولید ایده‌های خلاقانه یاری می‌کند.
دانش :

بروز ایده‌های نو نیاز به دانش فراوان دارد. در حقیقت دانش ماده اولیه تصوری است توسعه دائمی دانش و اطلاعات وسیع در بروز ایده‌های خلاقانه نقش بی‌بدیلی دارند.
روحیه پرسش‌گری :

تقویت روحیه پرسش‌گری و اینکه انسان از طرح سوال‌های به ظاهر کودکانه واهمه نداشته باشد و سوال‌های چالش برانگیز مطرح کند، باعث پرورش کنجکاوی در انسان می‌شود و ساختار شکنی قالب‌های ذهنی را تسریع می‌کند.



پرورش تفکر خلاق و نو آوری آموزشی

هفتاد و پنج سال پیش آنتی بیوتیک ها ، هواپیمای جت ، تلویزیون و کامپیوتر وجود نداشت . انسان های بسیار زیادی در اثر بیماری های خیلی ساده جان خود را از دست می دادند .

هفتاد و پنج سال پیش آنتی بیوتیک ها ، هواپیمای جت ، تلویزیون و کامپیوتر وجود نداشت . انسان های بسیار زیادی در اثر بیماری های خیلی ساده جان خود را از دست می دادند . اما از آن زمان تاکنون سلطه ما بر جهان فیزیکی و بیولوژیک به شدت

تصورات مثبت یا حدس زنده: تصویری که ما از چیزهای لذت‌بخش و اتفاقاتی که دوست داریم برایمان بیفتد در ذهن می‌سازیم. مانند تصورات بصری که به ما امکان می‌دهد هر تصویر فکری دلخواه را در مغز به وجود آوریم.

تصورات بازسازنده:

تصویری که ما را قادر می‌سازد تا تصویرهای گذشته را به‌طور غیر ارادی در مغز خود بازسازی کنیم.

تصورات ساختاری:

حس ذاتی برای تجسم اشکال سه بعدی و توانایی غریزی برای ساختن تصویری واضح و سه بعدی در مغز از نقشه‌ای مسطح، مانند قدرتی که هوانوردان را در فرود آوردن هواپیما به زمین در پروازهای بدون دید یاری می‌کند.

تصورات جانشینی:

تصویری که به وسیله آنها می‌توانیم خود را به جای دیگران قرار داده و در غم‌ها و شادی‌های آنها شریک شویم.

تصورات پیش‌بینی‌کننده:

تصویری که انسان را قادر می‌سازد تا در مورد آینده حدس زده و آن را پیش‌بینی کند.



راه‌های پرورش خلاقیت

خلاقیت، برابند نیروهای عقلی و تخیلی انسان است که قالب‌های ذهنی را می‌شکند و ایده‌های نوآورانه را به ذهن متبادر می‌سازد. بنابراین، به خاطر پرورش خلاقیت باید کارهایی انجام دهیم که از طرفی دانش و تجربه ما را که به‌عنوان ماده خام خلاقیت هستند بالا ببرد و از طرف دیگر شیوه تفکر ما را اصلاح و هدایت کند و از سویی قدرت تخیل ما را بهبود بخشد و امکان تصورسازی به ما بدهد.

می‌دانیم که خلاقیت نوعی تکاپوی فکری و ذهنی برای دست‌یابی به اندیشه‌های بدیع است. پس کارهایی که بتواند ذهن را در این راستا به تکاپو وا دارد و به ما فرصت اندیشیدن و تبلور آن را در جهان خارج بدهد، موجب افزایش خلاقیت می‌شود.

تجربه:

افزایش یافته است. امید به زندگی رشد کرده و اکثر ساکنان هم اکنون محصولات کشاورزی برای سیر کردن ساکنان کره زمین که از هفتاد و پنج سال پیش تاکنون سه برابر شده اند، کافی به نظر می رسد. طی این سالها بشر به کرات پا نهاد، اینترنت به وجود آمد و

بازی ادامه دارد

در سال های اخیر دانشمندان در رشته های مختلف بنیان لازم را برای ناتو تکنولوژی فراهم کرده اند و اکنون می توانند در سطحی بسیار پیشرفته به مهندسی در مقیاس اتمی و مولکولی بپردازند. میزان و راه نو آوری برای تعیین و پیش بینی آینده جهان ضروری است. در واقع داشتن جامعه ای نو آور برای دستیابی به رشد، از داشتن میزان بالای سرمایه و صرف آن مهم تر و مؤثرتر است. نو آوری ها لزوماً نباید شبیه اینترنت، موفقیت و پیشرفت عظیم تکنولوژیک باشند.

نو آوری می تواند پیشرفتی کوچک درون مدرسه یا تغییر ساختار رویه های کاری در سازمان آموزش و پرورش باشد. فرآیند نو آوری، ظریف و شکننده است. ظهور و رشد خلاقیت و نو آوری، مستلزم وجود فضایی است که در آن از افکار مختلف و پیشنهاد های سازنده و تحقیقات بنیادی حمایت شود. نو آوری هر روز از محدودیت ها می کاهد و غیر ممکن های بیشتری را ممکن می سازد. سازمان ها باید انگیزه هایی برای ایجاد و رشد نوآوری پدید آورند

تعریف خلاقیت

بیان تعریفی جامع از خلاقیت کار سختی است و صاحب نظران تعاریف مختلفی ارائه کرده اند شاید ساده ترین تعریفی که بتوان از خلاقیت داشت عبارت است از " : خلاقیت عبارت است از اینکه فردی فکری نو و متفاوت ارائه دهد".

" استیفن رابینز " خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه ها و نظرات در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آنان بیان می کند.

"گیلفورد " خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت های جدید برای مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است. افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران تفاوت دارند و از عرف و عادت دور شده و روش های خلاق و جدید را به کار می برند . برعکس کسانی که از این خصوصیت برخوردار نیستند تفکر همگرا دارند و در فکر و عمل خود از عرف و عادت پیروی می کنند .



ویژگی های فرد خلاق

مهم ترین ویژگیهای افراد خلاق به شرح زیر است:

-انگیزه بالایی برای پیشرفت دارند.

-آنها کنجکاو و جستجوگرند.

-در انجام کارها دارای پشتکار و انضباط هستند.

-انگیزه فراوانی برای کسب دانسته ها و تجربیات جدید دارند.

-شوق فراوان برای زندگی کردن دارند.

-زیباپسند بوده و علاقمند به آثار هنری هستند.

-می توانند بر روی دیگران بسیار تاثیر گذار باشند.